

## تعابیر از سند و سند شناسه و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی

• محسن روستایی

سند پژوه و فهرست‌نویس اسناد تاریخی

قدر مسلم شناخت سند، به طور معمول و متعارف آن، به مکتوب و نوشته‌ای اطلاق می‌شود که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. سند یعنی: دلیل، مدرک، رسید، قبض. نوشته‌ای که قابل استفاده یا استناد باشد چیزی که به آن اعتماد کنند. لفظ مدرک که بیش و کم به عنوان مترادفی برای سند، مطرح است؛ یعنی: محل ادراک، حس، زمان ادراک، مأخذ و دلیل چیزی. و جمع آن مدارک است. سند از دیدگاه مدیریت اسناد هم عبارت است از: «هر نوع اطلاعات ثبت شده در هر سازمان که به اشکال نوشتاری، دیداری - شنیداری، مغناطیسی، الکترونیکی و غیره، قابل تنظیم و بهره‌برداری است».

بنابراین اسناد تاریخی، بخشی از محتویات بایگانی‌ها و حافظه‌ی فعالیت‌های دیوان‌سالاری و سیر تحولات اداری ماست که امروزه از مهمترین منابع پژوهشی به شمار می‌آیند. و کلیه مکاتبات سلطانی و دیوانی و اخوانی و نیز اسناد مالی و قضایی (اوراق اسنادی و اوراق صریحه) و یا از دیدگاهی دیگر تمامی اسناد عرفی و شرعی و... که به طور طبیعی در اثر فعالیت‌ها و عملیات اشخاص و سازمان‌ها به وجود آمده و تحکیم روابط مردمان را با یکدیگر و یا با دولتمردان خویش مشخص و مستحکم می‌سازد؛ شامل می‌شود و هر ورق از این اسناد می‌توانند تاریخ‌نگاران را با مهمترین حوادث و وقایع ناگفته و ناشنیده تاریخی، آشنا کنند. با این وجود و با توجه به مطالب مسطور، معنی اصطلاحی سند این‌گونه دریافت می‌شود: «هرگاه اسناد از حالت جاری و نیمه جاری خارج شده و جنبه ماندگاری و آرشیوی شدن دائم پیدا کردند و مورخین در پژوهش‌های تاریخی خود به آنان استناد ورزند معنای اصطلاحی سند به شمار می‌آید».

آنچه که مسلم است؛ هنوز تکفیک قابل ملاحظه‌ای، بین سند و مدرک وجود ندارد و گاه به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند. عده‌ای اسناد غیرمکتوب از قبیل: عکس، فیلم، نوارها، صفحات صدا، تصویر و رایانه و امثال آن را صرف نظر از ویژگی خاص‌شان مدرک گفته‌اند. برخی آنچه که هنوز ارزش پژوهشی - آرشیوی آن مشخص و محرز نشده باشد؛ مدرک ولی وقتی ارزش ماندگاری آنان احراز شد؛ به عنوان اسناد آرشیوی مطرح می‌شوند.

بدین‌سان آرشیو ملی و یا سازمان اسناد ملی ایران، جایگاهی بوده و هست که اسناد و مدارک ملی و دولتی و مجموعه‌های اهدایی و خریداری و...

مربوط به گذشته است و چنانچه اطلاعات گذشته را حذف کنیم، برای ما شکل دیگری خواهد داشت. تجارب ارزشمند گذشته اساس و پایه زندگی را تشکیل می‌دهد و پیشرفت و توسعه مرهون تجارب علمی و فنی نسل‌های گذشته است که وسعت عینی و واقعی آن‌ها در محتوای درونی و برونی اسناد تاریخی و آرشیوی منعکس و تبلور یافته است.

لذا بدین خاطر، صاحب‌نظران معتقدند: اسناد با توجه به ارزش اولیه‌شان (یعنی: اداری، مالی و حقوقی) و نیز به واسطه‌ی ارزش ثانوی آن‌ها که همانا اهمیت تاریخی و پژوهشی اسناد آرشیوی است، می‌توانند دولت‌مردان را در سیاست‌گذاری‌ها و انجام پروژه‌های: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و... و نیز مورخین را در تبیین و تحلیل تاریخ‌نگاری مستند، مدد رسانند و اشتباهات و خطاهای کاربردی و تاریخی این دو طبقه‌ی مهم و مؤثر (کارگزاران و مورخین) را به حداقل ممکن کاهش دهند. از این رو ارزش اولیه و ثانویه سند باعث خواهد شد، عوامل و کارگزاران نظام‌های اداری و نیز مورخین فرهنگ‌یاب و حقیقت‌جو به طور مستمر و دائم به اسناد آرشیوی رجوع نمایند و بهره‌های کافی و حیات‌بخشی را با استناد و استنباط از آن‌ها دریافت دارند.

بنابر مبانی نظری و شواهد سندشناسانه نسبت به فلسفه وجودی تاریخ، به طور کل، هویت هر چیز به تاریخ و فلسفه‌ی آن بستگی دارد و همواره فلسفه تاریخ زمانی رابطه علت و معلولی خود را میان رویدادهای تاریخی حفظ خواهد کرد که بر پایه سست و اخبار کذب و به دور از واقعیت، بنا نشده باشد و بر ابزار و تکیه گاهی محکم و معتبر، همچون سند تاریخی تکیه کرده باشد. آیا می‌توان گفت فلسفه وجودی حقیقتی را که هرگز تاریخ مشخص و مدونی ندارد تعیین و تبیین کرد؟ این جاست که باید اذعان داشت، چه بسا فلسفه از درون تاریخ می‌جوشد و منتزع می‌شود. زیرا چنانچه تاریخ چیزی دانسته نشود، چگونه می‌توان فلسفه آن را دریافت و ادراک کرد.

چنان‌که که شرح زندگی، بررسی نحوه‌ی اقدامات و تصمیم‌گیری و آشنایی با نقطه نظرات افراد، سازمان‌ها و مقامات تصمیم‌گیرنده یک قوم و ملتی در گذشته، بیانگر اهداف و نیات واقعی و روشن‌نگر فلسفه وجودی آن‌هاست. همچنان که در زندگی فردی، شجره و نسب‌شناسی مبین هویت فردی و خانوادگی اوست. در زندگی اجتماعی، قومی و ملی هم، تاریخ و سرگذشت ملت و امت‌ها نشان‌دهنده‌ی استواری و پایداری آن‌ها در جریان‌ات زندگی است. ملتی هوشیار است که افراد آن آگاه و آشنا به مسائل علمی هستند، همواره در جمع‌آوری و حفظ و نگهداری اسناد می‌کوشند. زیرا که سند مهمترین عامل پیوند اثر و مؤثر و رابطه دقیق و واقعی علت و معلولی حوادث و رویدادهایی است که تاریخ اصیل و هدایتگر را می‌سازند و سرانجام فلسفه تاریخ از آن به بهترین وجهی نشأت می‌یابد و حاصل آن چیزی جز تاریخ‌نگاری مستدل و روشمند و کاربردی و عبرت‌آموز نخواهد بود.

اماگفتنی است که درخصوص تدوین و تنظیم اصول و شاخصه‌های اسناد تاریخی، نه آثار به اندازه‌ی داریم و نه آموزه‌ها و تشریح سندشناسانه این اسناد را برای دانشجویان تاریخ و پژوهشگران و فهرست‌نویسان اسناد قدیمه و معاصر، جدی گرفته‌ایم. از دیگر سوی در بررسی برخی از آثار سندی و یا اسناد تاریخی، پژوهشگران و فهرست‌نویسان انواع سند

که ارزش نگه‌داری دائمی دارند و مورخین و کاربران پژوهش‌های اسنادی و شجره‌شناسان به آن رجوع می‌کنند؛ در آن حفظ و نگه‌داری می‌شود. البته پس از عبور از مرحله‌ی شناسایی، گردآوری، ارزش‌یابی، انتقال، تهیه‌ی شناسنامه در بایگانی کل تنظیم و توصیف (فهرست‌نویسی اسناد)، ذخیره‌سازی و بازیابی اسناد و... که این فرایند در چهارچوب مدیریت اسناد و مدیریت آرشیو عملیات کمی و تخصصی آن کنترل، تعریف و اجرا می‌شود.

به هر صورت به سبب اصالت وجودی اسناد تاریخی و نیز به جهت اینکه هر برگ سند با زمان و رویدادهای مشخص و واقعی وابستگی تام و تمام داشته است و رابطه حقیقی بین اثر و مؤثر در آن‌ها بخوبی حفظ شده است و دخل و تصرفات سلیقه‌ای در آنان دیده نمی‌شود و هر سند آینه‌ی تمام‌نمای واقعه‌ای است که برای آن مکتوب و تولید شده است؛ به قولی سرچشمه‌های پژوهشی به ویژه تحقیقات تاریخی به اعتبار اسناد آرشیوی صلابت، سندیت و اهمیت می‌یابند و در این میان، سایر منابع تحقیقی در مرحله‌ی بعدی اهمیت قرار دارند.

لذا این دسته از مدارک آرشیوی حاوی مطالب و نکات بسیاری درباره‌ی مسائل تاریخ فرهنگی، هنری، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی، قضایی، مالی، نظامی، تاریخ محلی و حتی رجال‌شناسی است که اگر چنانچه طبق اصول و موازین علمی مورد استفاده و بررسی قرار گیرند؛ می‌توانند بسیاری از مسائل فراموش شده در فرهنگ و تمدن و رویدادهای حقیقی و ناشناخته در تاریخ را از لابه‌لای سطور و خطوط پیچیده و رنگ پریده‌ی تاریخی دریافت نمایند.

از این روی یک محقق و مورخ از مراجعه به این دسته از منابع که موضوع بحث ما محسوب می‌شوند؛ ناگزیر خواهد بود. هر چند که کار با اسناد خالی از دشواری‌های علمی و عملی و مصداقی نیست. اما با رجوع به اصل سند و یا لاقط عکس و تصویر آن‌ها و ممارست در بازخوانی و مفهوم‌سازی عناصر و محتوای آن‌ها، تا حد زیادی می‌توان بر فراز و فرودهای پژوهش‌های مبتنی بر سند، فائق آمد. منتهی برای آنکه ادراکات و استنباطات تاریخی را با اطمینان و اصالت بیشتری عرضه کنیم؛ می‌بایست تدبیری اندیشید تا شناخت و تشخیص کیفیات و مشخصات شکلی و درون محتوایی اسناد، به طور کامل و کاربردی میسر و میسر گردد.

درست است که یافتن اسناد و مدارک معتبر موجود در سازمان اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) و سایر مراکز آرشیوی، می‌تواند تاریخ را در شناخت حقیقت و تدوین تاریخ پژوهشی در خور اعتماد، هدایت کند. اما سندپژوهان، پژوهشگران اسناد تاریخی و حتی فهرست‌نویسان اسناد قدیمه، به‌ناچار برای شناخت اسناد و دریافت اصالت وجودی هر یک از آنان می‌بایست؛ اصول و روش‌شناسی هر نوع سند تاریخی را مدنظر قرار دهند. آنگاه با همت‌افزایی در تفحص‌های خود، آزمودگی و تبحر لازم را در این مسیر بدست آورند؛ تا اسناد سلطانی و دیوانیاتی ما به خوبی خوانده و تشریح شوند.

... به هر حال علم به گذشته، همان اندازه مهم است که علم به زمان حال، در واقع، گذشته چراغ راه آینده است و حال و آینده، بدون توجه به گذشته، معنا و مفهومی ندارد. بسیاری از اطلاعات و دانسته‌های ما

**کار سندشناسی، روشن کردن توسعه تاریخی اسناد، به اضافه ساختارشناسی آنان در روزگاران گوناگون است. با این نگاه که سندشناسی فارسی هنوز نوپا و جوان است و نیاز به نگارش، فرضیه‌پردازی و تبادل نظر فراوان دارد**

اصالت سند (اصل و جعل بودن آن)، ترسیم فرایند فهرست‌نویسی و تنظیم و توصیف صحیح و کم نقص اسناد آرشیوی، و سرانجام دریافت شاخصه‌های روشمند در انجام پژوهش‌های اسنادی و سندپژوهی، کمک شایان توجهی می‌کند که مراحل انجام این مهم (سندپژوهی) در چهار مرحله اساسی: خواندن سند- بازنویسی سند- مقابله سند- معرفی سند با تمامی لوازمات علمی پژوهشی‌اش مثل توضیح و تشریح عناصر و اجزاء و مصادیق شکلی و بطنی سند، مدنظر قرار می‌گیرد.

به هر تقدیر بد نیست که در میانه‌ی بحث به تنوعات اسناد آرشیوی و یا به برخی حقایق نهفته در آن‌ها اشاره‌ای داشته باشیم تا کاربران اسنادی با گستره موضوعی - پژوهشی اسناد هر چه بیشتر آشنا شوند. البته بیان این مطلب بسیار مختصر و گلچین شده خواهد بود. و قدر مسلم اسناد بستر بسیار مناسبی هستند که می‌توانند چون چشمه‌ای زلال طرز مکاتبات اداری و سیستم دیوانسالاری و ترتیب ثبت و ضبط نامه‌ها و احکام و چگونگی به‌کارگیری اصطلاحات اداری، دیوانی، سیاسی، اجتماعی و مالی، شیوه نگارش و تحول آن‌ها را در خود جای دهند. متعاقب آن ترتیب قبالة‌نویسی و نحوه تهیه‌ی اوراق اسنادی و اوراق صریحه (اسناد مالی و قضایی) در دوره‌های گذشته چگونه سندنویسی می‌شده است. آشنایی با وضع اقتصادی و مالی کشور و مردم. طرز رفتار کارکنان و مأموران دولتی با مردم. یاریافت مسائل گوناگون اجتماعی از جمله میزان مشارکت مردم در امور خیریه و عام‌المنفعه مثل وقف و نذورات و... روشن شدن نکات جغرافیایی و دلبستگی‌های سرزمینی برای دولت و ملت. کشف خفیات، آداب و رسوم و چگونگی تحولات فکری مردم. دریافت تصور و تکامل خط فارسی. آشنایی با تحول و تطور فن نویسندگی و اشیاء. بررسی مهرها، طغرها، دستخطها، امضاها و توشیح‌های پادشاهان و امرا و اولیای امور. و سرانجام اینکه تحول در وضعیت هنر و علاقه‌مندی به آن نیز نشان می‌دهد که اسناد علاوه بر بار محتوایی، از نظر هنری نیز حاوی ارزش‌های فراوانی است. رنگ، تذهیب، خط، کاغذ و امور وابسته به آن در اعصار و دوران‌های مختلف بیانگر ذوق و علاقه‌مندی مردم به هنر و جلوه‌های خاص آن بوده است.<sup>۱</sup>

بگذریم، همان‌گونه که در سطور قبل اشارتی رفت، امروزه آرشیویست‌ها و سندشناسان، معتقدند: که اسناد آرشیوی (دولتی و ملی همچون: فرامین و امثالها، رقعات، احکام و یادداشت‌های سیاسی، عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، گزارش‌های محلی، وقفنامه‌ها، مصالحه‌نامه‌ها، نذرنامه‌ها، تقسیم‌نامه‌ها، مقطعه‌نامه‌ها و سایر اسناد تاریخی و...) کاربرد فراوانی در تحقیقات

تاریخی و آرشیوی با دشواری‌های فراوان در استنباط خود در نوع سند روبه‌رو می‌شوند و به مرور در قبول و تعبیر مفاهیم اسنادی و اقسام سند دیوانی و... دچار تسامح و بی‌تفاوتی خاصی می‌شوند و همه چیز را با اطلاعاتی اندک شبیه‌سازی و با ناپختگی همانندسازی می‌کنند. از جمله به یک فرمان و دستور کتبی پادشاهان در زمان واحد گاهی فرمان، زمانی مثال هنگامی منشور و در جای دیگر برلیغ، حکم و یا رقم گفته‌اند و یا اینکه توقیع و طغرا را گاه مغایر در زمانی معادل یکدیگر می‌شناختند. و حال آنکه هر یک از این اصطلاحات برای موردی خاص و زمانی معین بوده و با دیگر واژگان دیوانی تفاوت‌های زمانی و تاریخی داشته است. حتی این موضوع در باره اصطلاحات و لغات سندی تاریخی درون متنی اسناد نیز صادق است. چنانچه هر لفظ بنا بر زمینه‌های تاریخی‌اش معنا و مفهومی ویژه دارد که برای نمونه و مثال می‌توان به لفظ کارخانه، اشاره کرد که دارای سه معنی متفاوت بوده است: ۱. در عصر مغول محل ساختن ابزار جنگی به دست هنرمندان اسپر و غیر آن. ۲. در دوره صفویه... قاجاریه، کارخانه به معنای مطبخ، حوایج‌خانه و آشپزخانه به کار رفته و بالاخره، کارخانه یعنی محل تولید اشیای صنعتی که معنای فعلی از همه معروف‌تر بوده است.<sup>۲</sup>

بنابراین مطمئن‌ترین وسیله برای شناخت اسناد، وجه تسمیه و درجه اهمیت آن‌ها، خود اسناد هستند که در دوره‌های خاص و با کاربردی ویژه به منصف ظهور رسیده‌اند. از این رو سندشناسان معتقدند که اسناد تاریخی را می‌بایست با کمک دانش و فن سندشناسی قاعده‌مند و تعریف و تشریح کرد. با این تعبیر که سندشناسی، یعنی: بررسی اجزا و مصادیق و عناصر شکلی و درونی انواع سند. شامل: محتوا، سبک نگارش، اصطلاحات که با نگاهی علمی و روشمند مورد مذاقه و تحلیل قرار می‌گیرند. به عبارتی دیگر سندشناسی، تاریخ اسناد است. در این دانش از قدیم‌ترین سند تا جدیدترین سند مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بین قدیم و جدید فرقی وجود ندارد... بنابراین هدف تاریخ اسناد، آشکارسازی کاربرد اسناد است. چرا که اسناد برای تبادل نظر یا ارائه مطلبی از طریق نوشتار، منجر به واکنش‌های مختلف از طرف مقابل خواهد شد. پس سندشناسی، کارش روشن کردن توسعه تاریخی اسناد، به اضافه ساختارشناسی آنان در روزگاران گوناگون است. با این نگاه که سندشناسی فارسی هنوز نوپا و جوان است و نیاز به نگارش، فرضیه‌پردازی و تبادل نظر فراوان دارد. کوتاه سخن اینکه فایده علم سندشناسی، این است که کارشناسان سند و سندشناسان را در ارزشیابی اسناد دولتی و خاندانی، تعیین

درخصوص تدوین و تنظیم اصول و شاخصه‌های اسناد تاریخی، نه آثار به اندازه‌ای داریم و نه آموزه‌ها و تشریح سندشناسانه این اسناد را برای دانشجویان تاریخ و پژوهشگران و فهرست‌نویسان اسناد قدیمه و معاصر، جدی گرفته‌ایم

## توصیف اسناد تاریخی

و روش‌شناختی پژوهش‌های اسنادی و انجام سایر امور، نیاز مبرم به مشاوره کارشناسان سند، آرشیویست‌ها، تاریخ‌دانان و ادیبان آشنای به آداب ترسالات و اصطلاحات دیوانی و ساختارشناسان انواع سند تاریخی و مکاتبات منشیانه و عالمانه دارند.

با این اوصاف، اولویت در اداره‌ی آرشیو و آرشیوداری متناسب با تاریخ، فرهنگ و اقلیم‌شناسی ایران بزرگ و با استفاده از سیستم نظامند مدیریت اسناد و مدیریت آرشیو، بهتر آن است که این نهاد اجرایی-فرهنگی، توسط تاریخ‌دانان، ادیبان، تحصیل‌کرده‌های علوم سیاسی، کارشناسان مدیریت اسناد، حقوق‌دانان و... صورت پذیرد. بخصوص اینکه علم تاریخ و ادبیات، به شکل تخصصی دو عنصر و عامل مکملند که همواره بنیان و اساس آگاهی‌ها و درک حقایق تاریخی و ساختارشناسی انواع سند سلطانی (سلطانیات)، دیوانی (دیوانیات)، اخوانی (اخوانیات) و اسناد مالی و قضایی، و نیز اصطلاح‌شناسی انواع لغات و نمایه‌های اسنادی و بازخوانی محتوا و خطوط پیچیده اسناد دیوانی و شرعی و بازیافت تمامی عناصر سندشناختی، به این دو علم مادر و مبنامدار وابستگی دارند و همواره مؤسسات و پژوهشگران علوم مختلف (بخصوص در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی و...) به مشورت با کارشناسان تاریخ و ادبیات مسلط به نثر و نگارش‌های دیوانی و سیر تحول اداری، در دوره‌های مختلف تاریخی، نیاز مبرم دارند.

در این خصوص لازم به یادآوری است که آرشیوهای ملی تمام کشورها از جمله سازمان اسناد ملی ایران، برای ارزشیابی اسناد، فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی اسناد اهدایی و خریداری و پرونده‌های راکد اداری و نیز مرمت اسناد، علاوه بر متخصصان ادبیات و تاریخ، از دیگر کارشناسان رشته‌های مختلف همچون: جامعه‌شناسی، اقتصاد، ترجمه زبان‌های خارجه، جغرافیا، شیمی و سایر رشته‌های کارشناسی بی‌نیاز نمی‌باشد؛ هر چند که در حال حاضر ضرورت و گسترده‌ی رشته و گرایش سندشناسی و سندپژوهی و مطالعات آرشیوی، بیش از پیش آشکار و اجتناب‌ناپذیر است و ظرفیت مناسبی برای بومی‌سازی این رشته‌ی کاربردی، در سطوح تحصیلات تکمیلی وجود دارد.

بنابراین اسناد تاریخی که قدیمی‌ترین آن در آرشیو ملی ایران (سازمان اسناد ملی...) به دوران ایلخانی و سال ۷۲۶ق. باز می‌گردد؛ نوشته و مأخذی قابل اعتماد و استناد است که در هر کجا و برای همه کس، قابل توجه و استفاده است و از دیگر سوی، برای مورخ، سند اساس قضاوت در

تاریخی، طرح‌های اقتصادی - سیاسی و نیز توسعه‌های اجتماعی دارند که از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها پیش‌بینی می‌شود. این امر در کشورهای توسعه یافته به تجربه ثابت شده است که اگر پژوهشگران و دولتمردان، برای پیشبرد اندیشه‌ها و برنامه‌های کلان خود به گزارش‌ها و اسناد و مدارک مختلف موجود در آرشیو ملی و یا سازمانی چون: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران که سوابق ملی و دولتی در آن نگاه‌داری می‌شود، مراجعه نکنند و به ارزش استنادی اسناد آرشیوی التزام نداشته باشند؛ نتیجه‌ای جز خطا و آزمون‌های پرهزینه و زمانبر نصیبشان نخواهد شد. از جمله مصادیق و نمونه بارز ارزش اداری و استنادی اسناد آرشیوی همین بس که، اگر متفقین در جنگ جهانی دوم، به اسناد جنگ جهانی اول رجوع نمی‌کردند، هرگز نمی‌توانستند ضعف و قوت‌های آلمان نازی را دریابند و هیتلر و فرماندهان او را آگاهانه و با تکیه بر اسناد آرشیوی [وزارت جنگ] شکست دهند. و نیز شواهد امر نشان می‌دهد که ماجرای نهضت ملی شدن صنعت نفت هم در اصل با تکیه بر اسناد آرشیوی تحقق یافته است. پیداست کشوری که آرشیو ملی منسجم و مستقل و دارای شرح وظایف مشخص و با اختیارات کافی نداشته باشد، مسلماً راهی به توسعه‌های همه جانبه نخواهد برد.

چرا که با نگاهی کلی و از دیدگاهی آرشیوی این گونه برآورد می‌شود که مورخ، تنها فردی نیست که تاریخ‌دان و تحصیل کرده رشته تاریخ باشد، بلکه هر محقق و پژوهشگری که از جنبه‌های مختلف علمی و استنادی و مصداقی و... به سازمان اسناد ملی ایران بیاید و در زمینه تخصصی و پژوهشی خود، اسناد و مدارک را مبنای کارش قرار دهد مورخ نام دارد. زیرا که برآیند و خروجی پژوهش‌های به عمل آمده چیزی جز استناد و تولید تاریخ در قالب پژوهش‌های اسنادی و سندپژوهی و حتی تحلیل و تطبیق تاریخ نخواهد بود که به شکل مقاله و رساله و یا کتب مستند تاریخی تنظیم و تدوین می‌یابند. و مثلاً ضمن خلق آثاری در زمینه تاریخ پزشکی، تاریخ مهندسی و تاریخ اندیشه‌های مدنی در تحولات شهرسازی ایران و...؛ می‌توانند ارزش علمی اسناد تاریخی را نیز نمایان سازند و به عرصه و پیکره‌ی تاریخ علم بیفزایند و کمک شایان توجهی را به زمینه‌های توسعه‌ی اقتصادی سیاسی فرهنگی و علمی و... ارزانی دارند. البته پر واضح است که پزشکان، مهندسين، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و سایر متخصصان در انجام تحقیقات تاریخی اسنادی خود همواره در بازخوانی اسناد، سیر مطالعات تاریخی و آشنایی با منابع مکمل و مرجع

باره‌ی تاریخ گذشته است. زیرا بدون سند نمی‌تواند اظهار نظر کند و هر آنچه بدون سند باشد، قابل اتکا نیست یا اینکه فقدان سند لحظه به لحظه فاصله مورخ را از کنه حقیقت وقایع و یقین به موضوع دورتر و دورتر می‌کند. با این وصف کتاب، نوشته و پروژه‌های قابل اعتنا و حائز اهمیت است که مبتنی بر اسنادی چون: گزارش‌ها، احکام، فرامین، نامه‌های اداری و دیوانی و عریضه‌ها و تظلم‌نامه‌ها و اسناد شرعی و فقهی و نیز برات‌ها و حواله‌جات مالی و تجاری و... بوده باشد.

به هر حال در یک تقسیم‌بندی عرفی و معمول آرشیوی که به لحاظ شکلی تأمین‌کننده‌ی تاریخ و تاریخ‌نگاری به شمار می‌آیند، انواع سند عبارتند از: ۱. منابع ذهنی و نقلی (تاریخ شفاهی). ۲. منابع باستان‌شناسی. ۳. منابع تصویری و ترسیم‌ی و... ۴. منابع مکتوب و نوشتاری. ۵. اسناد و مدارک آرشیوی. درباره‌ی ارزش وجودی اسناد مکتوب آرشیوی در قیاس دیگر منابع، باید گفت که اسناد، گذشته از آنکه وسیله‌ی مناسبی برای درک تاریخ و شناخت از تحولات اجتماعی، اقتصادی، دیوان‌سالاری، فرهنگی و نظامی، و تغییرات و تقسیمات کشوری هر جامعه می‌باشند، چون اسناد حاصل فعالیت‌های اداری و امور روزمره زندگی افراد اجتماع است و برای حفظ روابط جامعه با دستگاه‌های اداری و دولتی تهیه و تنظیم شده و می‌شود، بدور از شایعه و شائبه، دروغ، تظاهر، اغراض خصوصی و ملاحظه‌کاری‌هاست و درست به سبب همین نقش اساسی و قابل اعتماد که سند در ضبط اصالت وقایع دارد، همواره اهمیت آن آشکار محرز بوده است. بنابراین با استفاده از سند به اشتباهات، پرده‌پوشی‌ها، مجهولات، گزافه‌گویی‌ها و بالاخره ملاحظه‌کاری‌های برخی از تاریخ‌نویسان گذشته، می‌توان پی برد و حقایق امور را درک و کشف کرد. فرق سند با سایر منابع، از جنبه‌ای دیگر نیز قابل تأمل است و آن اینکه محتوا و اطلاعات سند، بکر و اصیل و منحصر به فرد است و در اکثر مواقع نیاز به مقایسه و تطبیق با دیگر منابع ندارد، بلکه اعتبار سند تا به آن جاست که برای تشخیص صحت و سقم مطالب کتاب‌ها، نوشته‌ها، رسالات و خاطرات و خطرات می‌یابد، آن‌ها را با اسناد آرشیوی تطبیق داد.

اما سندشناسان و آرشیویست‌ها در تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی به طور فاحشی با تاریخ‌دانان اختلاف نظر دارند، زیرا آنان موجودیت و بومیت اسناد آرشیوی را متناسب با گستره‌ی تاریخ و جغرافیای ایران مورد ملاحظه قرار می‌دهند و بدین‌سان روزگاران مردمان و حکومت‌های ایرانی را مطابق با موجودی اسناد به هشت عصر و زمان مشخص تقسیم کرده‌اند که بدون

توضیح و تفصیل عبارتند از: ۱. قبل از صفویه. ۲. صفویه. ۳. افشاریه. ۴. زندیه. ۵. قاجاریه. ۶. پهلوی اول. ۷. پهلوی دوم. ۸. پیروزی انقلاب اسلامی. این اسناد هر چه از عهد قاجاریه به قبل می‌رود کمتر و هر چه به سمت قاجاریه و پس از آن سیر می‌کند برگ به برگ افزایش یافته است. بدین ترتیب شناخت تاریخی اسناد از دوره‌ی صفویه تا قاجاریه به لحاظ کمی و کیفی و تنوع در انواع سند از جایگاه رفیع‌تری برخوردار است.<sup>۴</sup> البته هر چه اسناد تاریخی قدیمی‌تر باشد سندپژوهی و تنظیم و توصیف آن‌ها دشوارتر و نیاز به تأملات و مهارت سند شناختی بیشتری دارد. در این میان ادبیات سندخوانی، واقع‌شناسی، رجال‌شناسی، منصب‌شناسی، القاب‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، اقلیم‌شناسی، مهرشناسی، طغراناسی، خط‌شناسی، تذهیب‌شناسی، کاغذشناسی و به طور کل ساختارشناسی اسناد/ و کاربرد تمامی اسناد تاریخی طبیعتاً، از جمله مصادیق اصلی دانش سندشناسی به شمار می‌آیند. پرواضح است که کاربرد و زمینه‌های تاریخی: برلیخ، آل تمغا، خطاب، مخاطبه، فصول، مثال، سند یادداشت، منشور، ختم‌نامه، مشافهه، فرامین و رقعات عهد صفویه افشار و زندیه و قاجاریه، سند فرد و برات‌های دیوانی، هبه‌نامه‌ها، تقسیم‌نامه‌ها و غیره با یکدیگر و در جای خود، تفاوت ماهوی و اساسی دارند که فقط با تخصص سندمدارانه است که می‌توان مورخین و کارشناسان برنامه ریز اسناد را در رسیدن به واقعیات نهفته در سطور پیچیده اسناد تاریخی رهنمون و مشاوره داد.

با این وصف نگارنده معتقد است که سند ابزار و نوشته‌ی منحصر به فردی است که هر چند عناصر درونی و برونی آن به ظاهر غیر قابل پیش‌بینی و خیلی هم قاعده‌مند نیست، اما به کمک علم سندشناسی می‌توان، سبک‌شناسی و آیین نگارش اسناد عرفی و شرعی را متن‌شناسی کرد و در این میان ترکیب سند، شامل: متن و اضافات (تحمیدیه، توشیح، توفیق، مهر، دفتری کردن، تاریخ کتابت، طغرا و...) می‌تواند در تشریح و پیکرشناسی اسناد نقش آفرینی بسزایی داشته باشد. از دیگر سوی توجه به فرهنگ و تاریخ غنی کشورمان طلب می‌کند که برای تفصیل و درک مضامین اسناد بیش‌شماری که در سازمان اسناد ملی ایران (آرشیو ملی ایران) موجود هست نیروهای کارآمد و سندشناس را به کار بگیریم تا با استفاده از مبانی سندشناختی و تاریخ‌دانی مستند، در بومی‌سازی مفاهیم و عناصر سندی و عملیات آرشیوی راهی هموار را پییماییم و بر اصول و مشترکاتی که از طریق شناخت اسناد، بازخوانی و دریافت می‌شود، در

**هدف از فهرست‌نویسی و توصیف اسناد، طبقه‌بندی و حفظ و نگهداری اسناد تاریخی و آرشیوی و درک مفاهیم سندشناختی و به خاطر قابلیت، ظرفیت و پتانسیل استنادی و پژوهشی آن‌هاست**

ادامه‌ی راه تکیه‌گاه مناسبی را ترسیم و مهندسی نماییم و دقت داشته باشیم که ترکیبات سند (متن، شامل: مقدمه، رکن حال و رکن خاتمه) و اضافات آن و هر سندخوانی و تسلط کافی بر زمینه‌های تاریخی سند، تنها در امور سندپژوهشی و پژوهش‌های اسنادی کاربرد ندارد.

بلکه در مرحله ثانی نیز عامل مهمی است در معیارشناسی فهرست‌نویسی و تنظیم و توصیف اسناد که برخلاف سایر منابع مکتوب، همچون کتاب که موضوع گراست سند براساس منشا و منشأگرای و وظیفه‌گرای سازمانی سامان‌دهی و طبقه‌بندی می‌شود. در اصل سرشناسه سند منشأ سند است که ممکن است سازمانی و یا خاندانی (مجموعه‌های شخصی) باشد. در اصل فهرست‌نویسی سند: فرایند نظامندی است که از دو اصل منشأ و نظم اولیه سند (بخصوص اسناد اداری-دیوانی) پیروی می‌کند. سپس مسائل سندشناختی در قالب: عنوان نویسی، شرح‌نویسی و استخراج نمایه‌های اسنادی و تشخیص دوره‌ی تاریخی و تاریخ تولید سند و... که از مؤلفه‌های منسجم این فرایند تخصصی به شمار می‌آیند؛ ظهور و بروز می‌یابند.

در اصل تنظیم و توصیف اسناد می‌بایست با محوریت و آگاهی از تحولات اداری و سیستم دیوانسالاری و تقسیمات کشوری و مناصب: سیاسی، اجتماعی و اصطلاح‌شناسی مبتنی بر ساختار انواع سند دیوانی، سلطانی، اخوانی و... و همچنین اقلیم‌شناسی، رجال‌شناسی و از منظری دیگر تسلط کافی بر چکیده‌نویسی (خصوصاً چکیده‌ی توصیفی و تلگرافی)، سجاوندی، واژه‌بندی‌های مناسب، به دور از ایجاز و اطناب کلام و مفهوم‌سازی و مستندسازی کلیدواژه‌های تاریخی، انجام می‌پذیرد. که به نظر می‌آید هر چه استنباطات متنی و انتخاب نمایه‌های توصیفگر با زبان و زمان تاریخی و طبیعی سند تنظیم و مستند شوند، ارزش استاد قدیمه و پرونده‌های آرشیوی به جایگاه اصلی خود باز می‌گردد و اطلاعات اسناد به هیچ وجه تناسب و تطبیق زمانی و متنی خود را از دست نمی‌دهند. زیرا اتفاق افتاده که در موارد بیشماری کنترل واژگانی نمایه‌های اسنادی و شبیه‌سازی معنایی آن‌ها زمینه‌های تاریخی و سیستم دیوانسالاری سند و سوابق آرشیوی و اداری آن را دچار خدشه نموده، و باعث سردرگمی کاربران و مورخین اسنادی شده‌اند.

آیا مفهوم وزیر و وزارت و دیوان فرهنگ در دوره قاجاریه و پهلوی اول با یکدیگر یکی است وجه افتراق و اشتراک آن‌ها در لفظ و معنا چگونه سنجدیده و دآوری می‌شود. باور داشته باشیم وقتی به متن اسناد رجوع می‌کنیم این گونه نمایه‌ها یکی دو تا نیستند و اگر لفظی با زمینه‌های

تاریخی و اصطلاح‌شناسی اسنادی‌اش تعیین تکلیف و مفهوم‌سازی نشود؛ دچار تداخل تاریخی و پنهان‌سازی وقایع و حوادث تاریخی و دیوان‌سالاری عهدی و زمانی می‌شویم و به اسم کنترل و قراردادهای واژگانی ممکن است مفهوم مخاطبه و لقب‌نامه و یا مجلس دارالشورای کبری با مجلس شورای ملی مشروطیت و... یکسان انگاشته شوند و مورد رجوع یکدیگر واقع شوند. اسامی و نمایه‌های مستقل اسنادی در دل مکتوبات آرشیوی آنقدر بشمار و مرجع‌اند که هیچگاه نمی‌توان مترادف و یا یکسان‌سازی مناسبی را برای آنان در نظر گرفت. واقعاً مقام صدور عهد صفویه چگونه شغل و منصبی بوده است. چه نوع سندی را صادر می‌کرده‌اند. مترادف این شخصیت تاریخی و سند مثال به چه نحو ساخته و پرداخته می‌شود، تطبیق تاریخی و کنترل نمایه‌ای آن‌ها با چه تعبیری سنجدیده می‌شود. قدر مسلم استقلال این کلیدواژه‌ها در نهایت آخر مورد توافق فهرست‌نویسان و نمایه‌سازان واقع می‌گردد. زیرا که شبیه‌سازی معنایی و کاربردی برای این گونه نمایه‌های اسنادی شدنی نیست و باید گفت که مفهوم‌سازی هر نمایه‌ی تاریخی جز با زمینه و زمان سند و تحولات سیاسی اجتماعی آن‌ها قابل تطبیق و قیاس نیست.

و این مطلب به عنوان یک فرض اساسی به ذهن خطور می‌کند که در حین کار، داده‌های اسنادی می‌بایست به شکل اصولی از طریق کارشناسان اسناد و مورخین و ادیبان از متن و محتوای اسناد دولتی و خاندانی استخراج شوند و سپس در تنظیم ساختاری مستندسازی این کلیدواژه‌ها مشاوره‌ی کتابداران، نمایه‌سازان، اصطلاح‌شناسان علوم مختلف که در باره موارد یاد شده صاحب تجارب علمی و عملی هستند، می‌تواند، در این راه کمک شایان توجه‌ای را عرضه کند. فهرست‌نویسی و توصیف اسناد، نگاه سندشناسانه و تاریخ‌مدارانه می‌خواهد. فهرست نویسی اسناد تاریخی نیز می‌بایست، وابستگی جغرافیایی، تاریخ‌کتابت سند و تالگان شناسی سازمانی و دیوانی را بیش از سایر عناصر سند شناختی مد نظر قرار دهد و از این اصول متعارف غفلت نوزند. زیرا مرور زمان اسناد را کم و آرشیوی را به سوابق تاریخی و استنادات کاربردی مبدل می‌سازد و پرونده‌ها و سوابق روزمره‌ای که هنوز آرشیوی و تاریخی نشده‌اند، و زمان کافی و تعیین شده‌ای مثلاً (۴۰-۵۰ ساله) بر آن‌ها نگذشته است؛ شأن و مقام فهرست‌نویسی را نخواهد داشت و توصیف و تنظیم این گونه اسناد (جاری و نیمه جاری) بنا بر شرایط اجتماعی اقتصادی سیاسی و منافع ملی کشور، خارج شدن از اصول و روش فهرست‌نویسی استاندارد و حقیقت‌گرایی است

سند ابزار و نوشته‌ی منحصر به فردی است که هر چند عناصر درونی و برونی آن به ظاهر غیر قابل پیش‌بینی و خیلی هم قاعده‌مند نیست، اما به کمک علم سندشناسی می‌توان، سبک‌شناسی و آیین نگارش اسناد عرفی و شرعی را متن‌شناسی کرد

## توصیف اسناد تاریخی

اسناد تاریخی، بخشی از محتویات بایگانی‌ها و حافظه‌ی فعالیت‌های دیوان‌سالاری و سیر تحولات اداری ماست که امروزه از مهم‌ترین منابع پژوهشی به شمار می‌آیند

## توصیف اسناد تاریخی

بدانند که کار بدون سند، شیرینی تاریخ و تاریخ‌نگاری را به تلخی دوری از واقعیات نادیده و ناشنیده مبدل می‌سازد.

تاریخ‌نگاری روش‌مند به طور معمول و متداولش به سه گرایش نیازمند است: سند پژوهی (کسی که روی سند و کاربرد آن کار می‌کند و اسناد را به لحاظ عناصر سند شناختی تشریح می‌کند). پژوهشگر سند (پژوهشگر سند و پژوهشگران اسنادی آنانی هستند که با مجموعه‌ی سند یا در یک موضوع خاص تاریخی، اسنادی را بازخوانی و تدوین می‌کنند؛ مثل نامه‌های امیرکبیر، مجموعه‌ی اسناد روابط ایران و عثمانی و...) و سرانجام تحصیل کرده‌های تاریخ و تاریخ‌دانانی که از تمامی فرصت‌های تحقیقاتی، منابع مکتوب و مرجع و مأخذ معتبر و نیز مستندات سند پژوهی و پژوهش‌های اسنادی و ... بهره می‌جویند تا مبانی نظری و وقایع تاریخی را فرضیه پردازی و در عین حال تحلیل کنند. البته به طور عرف و معمول، جامعه‌ی پژوهشی، به هر یک از این سه شخصیت علمی، مورخ اطلاق می‌کنند و کمتر عنوان اختصاصی آنان را به یاد می‌آورند که این امر خیلی هم، جای اشکال و خرده نیست.

بازنویسی نمونه سندی تاریخی از عهد قاجاریه

عنوان: حکم دیوانی [صادره از سوی ناظم الدوله]

دوره‌ی تاریخی: عهد مظفری: ۱۳۱۴ ق

شرح سند: برقراری و تأیید مبلغ پنجاه تومان اضافه موجب دیوانی در حق میرزا حسن مستوفی

متن سند:

[تحمیدیه] «هو شانه»

[طغرا]: حکم عالی شد. آنکه چون موافق یک طغرای رقم حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد والا رکن الدوله<sup>۵</sup> و ثبت و سررشته<sup>۶</sup> دفترخانه مبارکه / مبلغ دویست تومان به صیغه‌ی موجب سرکاری در حق جناب معتمدالسلطان میرزا حسن خان مستوفی<sup>۷</sup> مستمر و برقرار بوده، از آن‌جا که مراتب شایستگی و راست [رایت] قلمی مشارالیه مشهود افتاد / و خاطر ما را از محاسن خدمتگذاری تحریرات رسائل و احکام ایالتی آسوده داشته، علیهذا محض بذل مرحمت و شمول مکرمت که موجب تشویق مشارالیه باشد، به صدور این خطاب مستطاب از ابتدای / هذاه‌السنه پیچی‌ئیل<sup>۸</sup>

که نه تنها موجب پیدایی بلکه موجب پنهانی اطلاعات درونی و شکلی اسناد آرشیوی خواهد شد. و به خودی خود عناصری: چون عنوان، چکیده‌نویسی محتوایی، نمایه‌سازی و خصوصاً کنترل و قابلیت دسترسی اسناد، بازمینی و ذخیره اطلاعات را دچار خدشه و نقصان می‌کند. و از همه مهم‌ترین شاخصه تاریخی شدن و آرشیوی شدن اسناد و پرونده‌های اداری و مجموعه‌های شخصی به یک باره، از فضا و شرایط آرشیوی شدن رخت بر می‌بندد و راه دیگری را می‌پیماید و تجربه‌ای نامبارک را در مسیر خطا و آزمون‌های دست و پا گیر و زمان‌بر، دریافت می‌دارد.

هدف از فهرست‌نویسی و توصیف اسناد، طبقه‌بندی و حفظ و نگهداری اسناد تاریخی و آرشیوی و درک مفاهیم سندشناختی و به خاطر قابلیت، ظرفیت و پتانسیل استنادی و پژوهشی آن‌هاست و همان‌گونه که می‌دانیم، سند به هیچ‌وجه به صرف مطالعه و خواندن و استفاده‌های صوری ساماندهی و ذخیره‌سازی نمی‌شوند؛ بلکه طبق مطالعات انجام شده در چندین سال اخیر مراجعه پژوهشگران به آرشیو ملی و کتابخانه‌های مرجع بسیار چشمگیر بوده است و این امر نشأت گرفته از نقش سند و نسخ خطی در اعتباربخشی بیشتر به تحقیقات تاریخی و تاریخ علم است. البته بحث پیرامون عکس، نوار، فیلم، اسکن، اسناد الکترونیکی و به طور کل نرم‌افزار و سخت‌افزارهای رایانه‌ای در فرایند اطلاع‌رسانی اسنادی جای خود را دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

می‌دانم که کلام به درازا کشید؛ اما در پایان بحث به این نکته درخور تأکید اشاره می‌کنم که کشور بزرگ و صاحب تمدنی چون ایران، شایسته است که آرشیو ملی‌اش (سازمان اسناد ملی ایران) در کنار کتابخانه ملی و نیز سازمان میراث فرهنگی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سایر مؤسسات تمدنی، جایگاه اصلی و تخصصی خویش را دریابد و در این رهگذر توسعه‌های اجتماعی فرهنگی اقتصادی سیاسی و علمی و... بیش از پیش بر پهنه‌ی این کشور سترگ ریشه دواند. زیرا سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در بعد اجرایی و فرهنگی‌اش و امدار هویت و تاریخ و تمدن ملی و میهنی ایران است و بخصوص که ساختار اجرایی آن به عنوان حافظه و بایگانی کل مملکتی می‌تواند؛ دولتمردان و کارگزاران نکته سنج را به سمت و سوی دیدن سوابق و استنادسازی پروژه‌های کلان ملی رهنمون سازد و میزان خطا و صرف هزینه‌های غیر ضروری را منتفی گرداند. از جنبه‌های فرهنگی - پژوهشی هم مورخین، سازمان اسناد ملی را خانه‌ی اصلی خویش

- خریبت تحویل و ما بعدها، مبلغ پنجاه تومان بدون رسوم، اضافه بر دویست تومان موجب سرکاری سابق او فرمودیم که همه ساله از قرار صدور برات دفترخانه اخذ و دریافت داشته / آسوده خاطر و مرفه الحال، به شرایط خدمتگذاری دولت جاوید [عزت / مدت / عدت؟] پردازد. مقرر آنکه معتمدالسلطان مستوفیان عظام شرح این حکم مطاع را ثبت و ضبط نموده و در عهد شناسند. تحریراً فی شهر رمضان المبارک ۱۳۱۴ ق. ملاحظه شد. مهر: هو ناظم الدوله<sup>۹</sup>
- پی نوشت**
۱. در این زمینه، رک: فدایی عراقی، غلامرضا؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی؛ تهران، سمت، ۱۳۷۷، صص ۱۳-۱۲.
  ۲. رک: قائم مقامی، جهانگیر؛ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی؛ تهران، انجمن آثار
۳. همان؛ صص ۹۸.
۴. با توجه به تقسیمات هشت گانه‌ای که داشتیم و بخصوص از عصر قاجاریه به بعد....
۵. احتمالاً [محمدتقی میرزا، فرزند محمدشاه قاجار]
۶. سررشته: صورت حساب، دفتر حساب. یادداشت، نوشته، گزارش. سررشته‌داری: عمل و شغل محاسبه کردن وجوهات و مخارج دیوانی، حسابداری اداره‌ی مالیه. (ن.ک: فرهنگ فشرده‌ی سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۸۸).
۷. میرزا حسن خان، فرزند میرزا یوسف مستوفی الممالک. وی در سال ۱۳۰۳ ق. تمامی مشاغل و مسئولیت‌های استیفا را که از آن پدرش بود به او سپردند (ن.ک: کریم سلیمانی، القاب رجال دوره‌ی قاجاریه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۱۴۴).
۸. از سال‌های دوازده گانه ترکی، سال میمون.
۹. [میرزا اسدالله خان، فرزند میرزا علی اصغر مستوفی تبریزی....].

